

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

نظری شتابنده به اهداف واقعی ایالات متحده و ناتو در کشور ما

چگونگی عملکردهای نظامی و اجرای فعالیت‌های محاربه‌ی

آیا دستیابی به مأمول تعیین شده امکان‌پذیر می‌باشد؟

بررسی‌های آگاهان امور بر چه مبنایی قرار دارد؟
برخوردهای کنونی به کجا خواهد انجامید
تصامیم زودهنگام و رسالت‌های دیرپا
متناسب با سیر حوادث یا سبقت از آن؟

در مناظرات سیاسی انتخابات اخیر در آمریکا شاهد هستیم که چطور احزاب رقیب احساس نگرانی خود را از سلطه‌نا برابری نشان می‌دهند. اینها در اثر سیاستها و توسعه فرد گرایی در جامعه می‌باشد. آنها تلاش ورزیدند تا سیاست را بمفهوم کل آن، ابزاری سازند. فرهنگ نئولیبرال، افراد جامعه را دچار اختلال روانی خواهد نمود. مشخصه این فرهنگ از کار افتادگی فرآیند‌های فکری، جامعه را بتدریج دچار اختلال روان گسیختگی و توهم‌های جنون‌آمیز رفتارهای مبتنی بر آشفتگی فکری می‌نماید.

قبل از همه، این واقعیت مبرهن را نباید از نظر دور داشت که حاکمیت‌های سیاسی سایر کشورهای جهان، با وجود ناگونی در نحوه برداشت و عملکردشان، در عرصه سیاست خارجی و تعیین پالیسی به انتخاب و گزینش اهدافی مبادرت می‌ورزند. بازی دولت‌ها در مجموعه نظام بین‌المللی، بزرگترین بازی محسوب می‌گردد. این را نیز باید پذیرفت که ناگزیری داشتن اهداف مشخص در بازی‌های بین‌المللی و در نظر داشت همه‌جانبه آن، در حیات سیاسی و روابط بین‌المللی کشورها از اهمیت فوق‌العاده مهمی برخوردار می‌باشد. میزان اقتدار داخلی و بین‌المللی، ستراتیژی سازان و پالیسی سازان را ناگزیر خواهد نمود تا در تهیه و تدوین اصول کلی سیاست خارجی، عوامل یادشده را در نظر داشته باشند. اهداف کشورها در ساختار نظام بین‌الملل، مشابه و یکسان نمی‌باشد. هر کشوری باتوجه به توانایی و میزان قدرتش، اهدافی را طرح و در تطبیق عملی وظایف مطروحه به اقدامات عملی و سازنده‌ای متوسل می‌گردد.

بدون در نظر داشت ماهیت رژیم‌های سیاسی حاکم در کشورهای مختلف دنیا، حفظ تمامیت ارضی، احترام به استقلال، تأمین امنیت ملی، رفاه اجتماعی، حیثیت ملی و کسب اقتدار، از خواست‌ها و اهداف اولیه‌ی مشترک همه کشورها بشمار می‌رود.

حفظ یکپارچگی ملی، مهمترین رسالت سیاست خارجی هر کشوری را تشکیل داده و سایر اهداف به دنبال آن تأمین می‌گردد. بصورت یک کل، دو رویکرد جداگانه بمنظور حفظ تمامیت ارضی کشورها وجود دارد: سیاست حفظ موقعیت

و وضع موجود و سیاست تغییروضع موجود. کشوری که خواهان حفظ تمامیت ارضی در چارچوب های کنونی باشد، تلاش می نماید تا آن مرزها را بگونه دست ناخورده و بدور از تعرض سایرکشورها حفظ نماید. به سخن دیگر، هدف از سیاست اولی، بیشتر تثبیت مرزها در جغرافیای کنونی می باشد. در رویکرد دوم اما کشورها تلاش می ورزند تا خطوط مرزی جغرافیای کنونی و حاضر دستخوش تغییراتی گردد.

تجزیه و تحلیل بسیاری از کارشناسان کشورهای مختلف، بمثابه یک کل، بر این واقعیت استوار می باشد که اگر اهداف کلی ایالات متحده و ناتو بمثابه یک مجموعه تنیده شده باهم مورد بررسی قرار گیرد، واضح می گردد که در جهت یگانه و واحد و اما با شاخ و پنجه های متعددی بمنظور ایجاد و اساس گذاری ژاندارم جیوستراتیژیک، جیوپولیتیک و جیوایکو نومیك در منطقه اروپا - آسیا و بصورت یک کل، ایجاد پایگاههای نیرومند نظامی در اراضی کشورها و در کل در خاور میا نه تشکیل می دهد.

در اینمورد، جنگ با تروریسم بمثابه ابزاری بمنظور تداوم موجودیت و حضور فعال و گسترده قوت های نظامی و جنگی توجیه گردیده که هیچگونه واقعیتهای در آن مضمحل نمی باشد همه تلاش ها ماحول تداوم حضور بیشتر قوت های یاد شده بمنظور اجرای وظایف کلان نه تنها در کشورها، بلکه در تمامی منطقه می چرخد.

واقعه ۱۱ سپتامبر و حوادث و پیامد های آن یا آغاز "مبارزه علیه تروریسم بین المللی" به ایالات متحده این فرصت را میسر نمود تا کم از کم بتعداد ۱۹ پایگاه نظامی در شرق نزدیک و آسیای میانه ایجاد نماید.

در نتیجه، قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده و ناتو، برای نخستین مراتبه در اراضی کشورهای شوروی سابق عرض وجود نموده و رحل اقامت افگندند. علاوه بر آن، بارک اوباما حین تصدی پست ریاست جمهوری ایالات متحده قصد داشت تا بخشی از نظامیان کشورش را از عراق فراخوانده و به افغانستان گسیل نماید. اغلب چنین زمزمه هایی نیز بگوش می رسید که ایالات متحده و ناتو صرف در صدد کنترل و نظارت محل استقرار پایگاههای نظامی شان در در کشورها می باشند، آیا آنها مسوولیت های تأمین امنیت را بدرستی و با موفقیت انجام دادند؟ آیا آنها در امر مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر در اراضی و سرزمین کشورها به نتیجه مطلوب و قناعت بخشی نایل گردیدند؟ پرسش هایی از این قبیل، ذهن همه را بخود معطوف داشته است.

در کنار حفظ ثبات نسبی، از موجودیت تنش در کشور نباید چشم پوشی بعمل آید. موجودیت تهدیدهای مستمر، بمثابه یک گل، بمفهوم واقعیت های برخاسته از نحوه فعالیت ها و عملکردهای پنتاگون برای پنتاگون محسوب گردیده و چنین امکان را نیز مساعد می سازد تا بیش از پیش و بگونه دوامداری، ازدیاد در بودجه نظامی پیشنهادی پنتاگون، توسط کانگرس به تصویب رسد. نباید فراموش نمود که ازدیاد مبالغ تعیین شده نظامی و حربی، بصورت مستقیمی در چگونگی برنامه های رفاه اجتماعی و زندگی باشندگان ایالات متحده اثرات مشخص و متبازری بجا می گذارد.

چنین وضعیتی، بدون قید و شرط، بویژه در موقعیت بحران عمیق مالی و اقتصادی سی سال اخیر ایالات متحده، در واقعیت امر، پاسخگوی منافع آن کشور شمرده می شود. علاوه بر آن، چنین بنظر می رسد که سرزمین کشور عزیز ما افغانستان هیچگاهی به میدان آزمایش ها و کاربرد سلاح و مهمات حربی و جنگی کشورهای خارجی و از جمله به پولیگو ن آزمایش های نظامی و حربی ایالات متحده مبدل نخواهد گردید. اما ایالات متحده در نظر دارد تا شیوه ها و تاکتیک های جدید تداوم و پیشبرد "جنگ های نامنظم" را در اراضی کشورها بکار گرفته و مورد آزمایش قرار دهد.

کشور عزیز ما افغانستان، به لطف موقعیت جغرافیایی اش، برای ایالات متحده و ناتو بمثابه منطقه و محل دارای موقعیت منحصربفرد راهبردی بمنظور ایجاد تأسیسات ستراتیژیکی نظامی و استقرار گروههای تهاجمی از جمله جابجایی قوت های عظیم هوایی تلقی می گردد. در مورد باید یادآور شد که واقعیت متذکره نشانگر آنست که از همان نخستین لحظات بحرکت آمدن ماشین جنگی ایالات متحده - ناتو، در نواحی و مناطق مربوط به میدان های هوایی شیندند و بگرام، بشدت وجدیت تمام کارها و فعالیت های ساختمانی، انجام گرفته و محلات و تونل های زیرزمینی در آن اعمار گردید تا بیش از پیش امکانات ایجاد و تأسیس بزرگترین و نیرومند ترین پایگاههای نظامی مساعد و مهیا گردد که چنین هم شد و همچنان فعالیت های وسیع و گسترده ساختمانی نیز جریان دارد که با انجام چنین اقدامات، بخشی از آرزومندی های ایالات متحده و ناتو در اراضی کشورها بر آورده خواهد شد. در شرایط و وضعیت کنونی، میدان های هوایی شیندند و بگرام مبدل به مراکز و پایگاههای نظامی مجهز به سیستم های نظامی - فضایی گردیده که با استفاده از آن قادر به بررسی و نظارت بر تمامی

منطقه هوایی - فضایی اورو - آسیا نیز می باشند.

نبود استقرار وضعیت و موجودیت تشنج در اراضی کشور ما به ایالات متحده این فرصت را میسر می سازد تا بدون هزینه اضافی بگونه دوامداری به گرم نگهداشتن آتش این اجاق و چاق نمودن چین وضعیت بویژه در سرحدات چین، هند، ایران، بی ثبات سازی وضعیت در پاکستان و کشورخای آسیای میانه و ایجاد تهدیدات و خطرات همیشگی و دوامداری در مناطق یادشده، مبادرت ورزد. در این میان، تبدیل نمودن افغانستان بمتابه مرکز تولید موادمخدر در منطقه و جهان، راه اندازی "انقلاب های رنگین"، سازماندهی و اجرای کودتا های نظامی بمنظور سرنگونی حاکمیت های مردمی و تقویت گروها و دسته بندی های تروریستی و دهشت افکن در سراسر جهان، مرکز ثقل فعالیت های ایالات متحده را تشکیل می دهد.

در وضعیت و شرایط اینچنینی، ایالات متحده به این واقعیت معترف است که بدلیل موقعیت جغرافیایی اش در آنسوی اقیانوس ها از گزند و عواقب نابکار مواد مخدر در امان بوده و این کشور عزیز ما و دول کشورهای همجوار آن از کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر صدمه دیده و این بلا دامنگیر آنها می گردد. بنابراین، نباید پذیرفت که عدم موفقیت ایالات متحده در کشور ما بگونه عمده در عدم توجه به فاکتورهای منطقوی، نحوه موضعگیری در قبال دول همجوار کشور ما و در قبال منطقه ای که ما در آن قرار داریم، نهفته می باشد. عامل و فاکتور منطقوی را نباید کم اهمیت تلقی نمود. فاکتورها و عوا مل گونه گونه دیگری در مورد را باید در نظر گرفت.

علاوه بر آن، ایالات متحده با حضور و موجودیت نظامی اش از ضد و نقیض ها و تضادهای موجود منطقوی و پشتیبانی از سازمان ها و گروه بندی های معلوم الحال بمنظور تأثیر گذاری بر حاکمیت های سیاسی منطقه، سوؤاستفاده و بهره بردا ری خواهد نمود.

در ضمن، به تلاش های ایالات متحده بمنظور دستیابی به اهداف مورد نظر از طریق چاق نمودن فساد در مافوق ترین سطوح قدرت در آن کشور نیز اشاره شده است. در حال حاضر، زمانی که کاخ سپید در مورد بازنگری ستراتیژی و سیا ست هایش در مورد کشور عزیز ما می اندیشد، مقامات رسمی آن کشور معتقدند که استحکامات ضعیف مرزی افغانستان، از جمله معضلات قابل تأمل در مورد چگونگی وضعیت امنیتی در افغانستان محسوب می گردد، در کنار آن همچنان از طریق همین مرزها تأمینات لوژستیکی و انتقال سلاح و مهمات به نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو در کشور ما نیز صورت می گیرد. همچنان در مورد مسایل مرزی باید متذکر گردید که با موجودیت بزرگترین پوتانسیل همکاری میان کشورها و دول منطقه در عرصه تبادل اطلاعات مطابق دانش فنی و تقویت پوتانسیل های نهادی خدمات مرزی و گمرکی ، از امکانات مساعدی برخوردار می باشد.

به ارتباط مسأله گفته آمده باید یادآور گردید که رهبری دولت قزاقستان، آمادگی اش را در زمینه مساعدت و همکاری با ایالات متحده در عرصه تأمین ثبات و امنیت در سرزمین کشور ما، بنحوشایسته ای انجام داد، چه آستانه تمایلش را در امر همکاری مشترک با ایالات متحده در امر تأمین ثبات و امنیت در کشور ما اعلام نمود.

بمنظور نهادینه کردن با اهمیت ترین مسایل گفته آمده در فوق، بویژه وسعت و گسترش همکاری های منطقوی باید در اولویت فعالیت ها و عملکردهای نیروها و طرف های ذیدخل در قضایای کشور ما قرار گیرد. همکاری های منطقوی از دیدگاه کشورهای ماورای ابحار و ناتو که مدت ها قبل در اراضی کشور ما عملیات نظامی و جنگی را آغاز نموده و همچنان در تداوم آن کوشا اند، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. اماچندی قبل، اتحادیه اروپا، طرح جامع و ابتکاری در مورد مسایل مربوط به آسیای مرکزی تحت چتر "سیاست همجواری" مطرح نمود که ستر مرزها و تأمین امنیت آنها در اولویت کاری آنها قرار گرفت. اما در زمینه یادشده، شاهد فعالیت های اندکی می باشیم. طرح ابتکاری امریکا - قزاقستا ن، شامل تأمین امنیت سراسری مرزهای افغانستان با آسیای مرکزی می باشد. بدون اندکترین تردیدی، اتحادیه اروپا نیز بمنظور دستیابی به مأمول فوق، موافقتش را با طرح متذکره ابراز داشت.

متذکر باید گردید که مهمترین مسأله از جمله یکی هم انتقال کالاها و مواد مورد ضرورت جهت رفع احتیاجات نیروها ی موجود نظامی ایالات متحده و ناتو در کشور ما، مطرح بحث همیشگی در این مورد می باشد و همچنان نباید فراموش خاطر ما گردد که تأمین امنیت راهای انتقال مواد و اموال مورد ضرورت نیروهای متذکره، از مسایل جدی و قابل تأمل در این بحث محسوب می گردد.

این واقعیت کاملن واضح و مبرهن گردیده که تأمین ثبات و استقرار امنیت در کشور عزیز ما هم بنفع کشورهای همجوار، روسیه، ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و کلیه کشورهای منطقه بدون در نظر داشت تضادها و ضد و نقیض گویی های موجود میان آنها می باشد. گردانندگان اداره و اشنگتن در ایالات متحده به امید پیروزی و موفقیت نظامی آن کشور بر امکانات موجود در این عرصه، بر چنین توافق در عرصه تأمین امنیت در منطقه ما بمنظور حفظ و تأمین امنیت ملی ایالات متحده، ارجحیت قایل می گردند.

در مورد ارزیابی نیروها و بررسی وجوه اختلافات و ضد و نقیض گویی های نیروهای متخاصم در کشور عزیز باید یاد آور شد که ناپایداری وضعیت امنیتی کشور عزیز ما ممکن همچنان تداوم یابد. طی مدت زمان تداوم جنگ و شعله ور شدن تصادمات و برخوردهای جنگی و نظامی میان قوای مسلح کشور و نیروهای ناتو از یکجانب و نیروهای مخالف از جانب دیگر، این مردمان و باشندگان ملکی کشور ما اند که متحمل سنگین ترین و عظیمترین تلفات جانی و مالی گردیده و در مرکز برخوردهای متذکره قرار داشتند.

نباید فراموش خاطر مآشود که بدون حل و فصل صلح آمیز قضایای موجود کشور، راه و مسیر دیگری اصلن سراغ نمی گردد. مخالفان حاکمیت کنونی کشور ما، این واقعیت را عملن درک نموده اند که حل و فصل کلی قضایای کشور از طریق زور آزمایی و شمشیر کشیدن ها، در واقعیت امر امکان ناپذیری باشد.

در مورد مخالفان مسلح، با ارائه تعریف های گوناگون و متنوعی از جمله در مورد چگونگی فعالیت های مسلحانه گروه های مخالف مسایل و موضوعاتی ارائه گردیده که جای تأمل دارد.

شماری به این عقیده و مفکوره پابند می باشند که نیروهای مسلح مخالف، بگونه منظمی سازماندهی شده و از مرکز واحدی که در رأس آن رهبر "طالب" ها قرار دارد، پیروی می نمایند.

اشتباه دوم بر این بنیاد استوار می باشد که مخالفان مسلح بصورت یک کل از پیروان "القاعده" محسوب می گردند که عمدتاً متشکل از بنیادگراها و دهشت افکنان بوده و ممثلاً فعالیت ها و عملکردهای تروریستی گزوه نامبرده محسوب می گردند.

سومین اشتباه، پیوند گروه های متخاصم و انتساب آنها به هموطنان پشتون کشور ماست که بگونه ریشه یی بی بنیاد می باشد.

قابل یاددهانی است که نیروهای مسلح مخالف که متشکل از افرادی از قشرهای مختلف جامعه می باشند، در امر پیشبرد فعالیت های مشترک میان آنها هماهنگی ضعیفی موجود می باشد.

شانزدهم ماه جون سال ۲۰۱۸